

مقدمه

بدون شک داشتن محیطی سالم برای زندگی یکی از نعمت‌های الهی و از امور مورد توجه مردم می‌باشد. در گذشته نه چندان دور، به جهت این که مسأله آلودگی هوا به صورت جدی مطرح نبود و آدمیان به وفور از نعمت داشتن محیطی پاک برخوردار بودند و طبیعت مورد تهاجم بیرحمانه داعیه‌داران رشد و ترقی واقع نشده بود خطر آلودگی محیط زیست توجه زیادی را معطوف خود نکرده بود.

انسان از بدو خلقت خویش با تمام وجود از طبیعت هراس داشت، خطر جانوران درنده، خطر آب و هوای نامساعد و خطر محیط زیست وحشی. اما همین طبیعت ضروریات زندگی او و از جمله غذای گیاهی یا جانوری را به وی ارزانی می‌داشت.

سپس انسان ماهر به یاری اندیشه و به کمک ابزار، خود را برای رویارویی با خطرهای آماده کرد و به مهار عوامل طبیعی و رام نمودن آن‌ها و بالاخره بهره‌کشی از آن‌ها در جهت منافع خود پرداخت. انسان‌ها با اتحاد و بذل کوشش‌های مشترک توانستند جنگل‌ها را به صورت زمین‌های آباد و قابل کشت و زرع درآورده، مسیر جریان آب رودخانه‌ها را تغییر داده و به ساختن بناها و آثار غول آسا و عظیم مانند اهرام مصر، اقدام کنند. با این حال تمامی این اقدامات به همان اندازه که جمعیت بشری تابع نوسان‌ها و نشیب و فرازهای برخاسته از رویدادها، جنگل‌ها، بیماری‌های مسری و یا بلاهای عظیم طبیعی است، محدود می‌ماند.

انقلاب صنعتی، همراه با پیشرفت‌های علمی، فنی و پزشکی اوضاع را دگرگون ساخت. از سده هجدهم، عواملی چون افزایش و گسترش کشاورزی، انفجار جمعیت، تغییرات و دگرگونی‌ها را سرعت بخشیدند. انسان، بی‌شمارتر از همیشه، به راه‌ها و وسائل پیشرفته‌تری مجهز گردید که در راه جاه طلبی‌ها و بلندپروازی‌های وی برای چیرگی بر نیروهای طبیعت و تولید بکار می‌رفت.

اقتصاد نوین بر اثر جنون آزمندی برگرفته از اندیشه رشد مداوم اقتصادی در صدد کشف تکنیک‌های بهره‌برداری همراه با تخریب هرچه بیشتر از منابع طبیعی برآمد و انسان اقتصادی در این عرصه بر این باور بود که می‌تواند از ذخایر و منابعی که طبیعت به وی ارزانی داشته، جاودانه استفاده کند.

به تدریج ظهور و گسترش بحران‌های زیست محیطی که دامنه آن علاوه بر انسان، جانوران، گیاهان را نیز در بر گرفته است، همانند از بین رفتن جنگل‌ها، آلودگی آبهای سطحی و زیرزمینی و به تبع آن مرگ و میر فزاینده حیوانات آبی، تخریب لایه ازن و باران‌های اسیدی و ... سبب شده جوامع انسانی به این مسأله توجه بیشتری معطوف نمایند، در حال حاضر بیش از ۲۳۰ پیمان بین‌المللی

زیست‌محیطی وجود دارد که اکثر آن‌ها در طی سی سال گذشته منعقد شده‌اند، اما درست اجرا نشدن این پیمان‌ها و سهل‌انگاری مجریان سبب شده این پیمان‌ها تأثیر قابل توجهی نداشته باشند.

یکی از ابعاد مهم توجه به این مسئله نگاه از منظر دینی است. از این نگاه دو دیدگاه متناقض وجود دارد. از طرفی عده‌ای بحران حاضر را ناشی از فاصله گرفتن از تعالیم ادیان دانسته و راه حل را در افزایش زمینه‌های تربیت دینی و اخلاقی می‌دانند. از طرف دیگر، عده‌ای با نگاه سکولار و با اتخاذ موضعی متضاد مشکل را در آموزه‌های دینی جستجو کرده و آن‌ها را در بحران مؤثر دانسته‌اند. شک‌گرایی علمی بر آن است که دین در بهترین وضعیت، یک انحراف غیرضروری و در بدترین حالت، مانعی جدی در مسیر یک دغدغه زیست‌محیطی است. (هات، ۱۳۸۲: ص ۳۰۱)

دلبستگی نداشتن به دنیا، و مسلط شدن بر طبیعت از جانب خداوند از مواردی است که به اعتقاد اینان، سبب ناپایداری توسعه شده است؛ همچنین تجویز استفاده بدون حد از منابع طبیعی نیز به این مشکل دامن زده است.

در این مقاله، ابتدا این شبهات را مطرح کرده و با نگاه درون دینی و با استفاده از قرآن و روایات، این شبهات را پاسخ داده سپس با نگاه برون دینی و با مطالعه دیدگاه‌های پیرامون محیط زیست مشاهده می‌کنیم که در بین کسانی که این مسئله را با نگاه غیردینی مطالعه کرده‌اند دیدگاه‌های مختلف و گاه متضاد نسبت به چگونگی استفاده از محیط زیست وجود دارد که ناشی از نگرش فلسفی و اعتقادی آنان به انسان و هستی می‌باشد. در ادامه و با ارائه مدل بهره‌برداری از منابع زیست‌محیطی اثبات خواهیم کرد، که این مدل نه تنها سبب تخریب محیط زیست نمی‌شود بلکه با تقویت مبانی دینی فردی و نهادهای اجتماعی مانند امر به معروف و نهی از منکر به حفظ آن کمک هم می‌کند.

شبهات بوم‌شناسان سکولار

در مقدمه اشاره کردیم، برخی از دانشمندان اقتصاد محیط زیست، با فرافکنی در صدد برآمده‌اند که بحران زیست‌محیطی را به آموزه‌های دینی نسبت داده و ادعا می‌کنند اعتقاد دین‌باوران سبب تخریب منابع زیست محیطی شده و انگیزه آنان را برای سالم‌سازی محیط پیرامون تضعیف می‌کند. مهمترین این چالش‌ها بنظر اینان عبارتند از:

۱. تسخیر

وایت جونیور^۱ بحران محیط زیست را ریشه در سلطه‌ای می‌داند که کتاب مقدس بر روی زمین به

^۱. White, Jr

انسان عطا کرده است. غرور این باور انسان‌مدارانه، این اجازه دینی را به انسان‌ها داده که طبیعت را کنترل کرده و از آن سوء استفاده کنند (همان: ص ۳۰۴).

هات^۱ در بخشی از سخنانش که با نگاهی دیگر مسئله دین و محیط زیست را مطالعه می‌کند (تمایز) در جواب از این ایراد می‌فرماید:

منظور از سلطه غلبه نیست بلکه منظور نقش انسانی ما به عنوان نمایندگان خداوند در برابر طبیعت غیر انسانی است این بدان معنی است که از آنجا که خدا نگهدارنده حیات است کتاب مقدس به طور ضمنی دستور می‌دهد از خدا در این مورد تقلید کنیم. (همان، ص ۳۰۵)

دکتر نصر نیز در مقام پاسخ از این اشکال می‌فرماید:

زمانی که قرآن می‌فرماید طبیعت را مسخر انسان کرده است (حج: ۶۵) این به معنای چیرگی معمولی بر طبیعت نیست (چنان‌که بسیاری از مسلمانان متجدد تشنه آن قدرت که علم جدید به انسان بخشیده ادعا می‌کنند)، بلکه به معنای غلبه بر چیزهایی است که انسان مجاز است تنها به شرط آن‌که مطابق قوانین الهی باشد اعمال کند و دقیقاً از آن جهت که خلیفه خداوند بر زمین است و بنابراین اقتداری دارد که نهایتاً به خداوند متعلق است.

به همین سبب است که هیچ چیزی برای محیط زیست طبیعی خطرناکتر از اعمال قدرت مقام خلیفگی جامعه بشریتی نیست که دیگر بندگی خدا را نمی‌پذیرد و مطیع قوانین او نیست. (نصر، ۱۳۷۹: ص ۲۲۲-۲۲۳)

ایشان در ادامه اتفاقاً این تخریب را ناشی از سلطه‌ای می‌داند که نگرش سکولار بعد از رنسانس به عنوان انان‌محوری و اومانیزم برای انسان ایجاد کرده است.

در مقابل تمدن غربی از زمان ظهور انسان‌باوری رنسانسی، انسان زمینی را مطلق کرده است. انسان‌باوری غربی در حالی که انسان را از کانونش محروم ساخته درصدد بوده به این انسان بی‌کانون کیفیت مطلقیت ببخشد.

این انسان صرفاً زمینی طبق تعریف عقل‌باوری و انسان‌باوری است که علم قرن هفدهم مبتنی بر سلطه و استیلای بر طبیعت را پدید آورد، انسانی که طبیعت را دشمن خویش می‌پندارد. همین انسان خاکی که اینک مطلق گشته، به نام رفاه اقتصادی جنگل‌های وسیعی را تخریب می‌کند بی‌آنکه لحظه‌ای به عواقب آن برای نسل‌های آتی بشر یا دیگر مخلوقات این جهان بیندیشند.

اسلام هرگز اجازه نداده است انسان با تحقیر خدا یا عالم خلقتش، خود را تکریم کند. برای مسلمان هیچ چیز نفرت‌انگیزتر آن هنر تایتانی رنسانس نیست که برای تکریم انسانیتی که در مقابل خداوند گردنکشی می‌کند خلق شده است. (همان، ص ۲۲۵-۲۲۶)

بوعلا علی نیز در تبیین معنای تسخیر و نفی این شبهه گفته است:

^۱. Haught

اما نسبت به اشکال تسخیر و این که غروری که در اثر آن برای انسان ایجاد شده سبب تخریب محیط زیست می شود، باید گفت که از نگاه دینی، تسخیر به معنای تسلط مطلق بر طبیعت نمی باشد به گونه ای مجاز باشد هر تصرفی در آن انجام دهد، بلکه نوعی استفاده همراه با هدایت می باشد. در این معنی، طبیعت قابلیت هدایت و در مسیر استفاده بهینه قرار گرفتن را دارد و بشر این توانایی را دارد که با قدرت فکری خود از پدیده های طبیعی استفاده لازم را بکند و باصطلاح طبیعت از این لحاظ همانند موم در دست بشر است و در این راستا از خود مقاومتی نشان نمی دهد. می توان چنین سلطه ای را به سلطه پدر بر فرزندش تشبیه نمود که خداوند فطرتاً این هدایت پذیری و قابلیت تربیت را در انسان قرار داده است و این هرگز به معنای این نیست که پدر یا معلم هر رفتاری را بخواهد می تواند با فرزندش بکند. باران به عنوان یکی از نعمتهای طبیعی خداوند هر گاه به حال خود رها شود منجر به تخریب مسیر خود می شود اما در صورت هدایت آن و در مسیر صحیح قرار دادن آن ضمن استفاده صحیح از آن از تخریب آن نیز جلوگیری می شود (یوسفی، ۱۳۷۹ش: ص ۲۶۲-۲۶۷، به نقل از بوعلام علی، ۱۴۱۶ق)

۲. سکوت

برخی از دانشمندان، اعتراض خود را بر مجامع دینی از این زاویه که این مجامع در مقابل این بحران سکوت اختیار کرده اند بیان می دارند راسل ترین^۱ (۱۹۹۰) معتقد است دین و الهیات به این مشهورند که به صلاح جهان طبیعت چندان اهمیت نمی دهند. به لحاظ سنتی کلیساها، کنیسه ها و مساجد توجه کمی به مسائل عمده زیست محیطی کرده اند. وی که بیش از سی سال است رهبری نهضتی زیست محیطی را به عهده دارد، این را بسیار حیرت انگیز می داند که دین و الهیات تا این حد نسبت به بحران فعلی بی تفاوت بوده اند (هات، ۱۳۸۲: ص ۳۰۰)

معمولاً قضاوتی که نسبت به تأثیر آموزه های دینی در موضوعاتی از قبیل محیط زیست صورت می گیرد در اثر مطالعه و مشاهده کنش های مسیحی است. گرچه سنت مسیحی به عنوان یکی از ادیان ابراهیمی بر اهمیت و ارزش معنوی طبیعت صحه گذاشته اما گرفتار شدن مسیحیت در دامان سکولار و منصرف شدن از امور دنیایی و در حاشیه گذاشتن آن که نتیجه ستیزه مسیحیت با انسان باوری، عقل باوری و دنیاگرایی در طول پنج قرن قبل از رنسانس بوده، سبب شده عرصه را برای تفکر سکولار تهی کند

اما این که از دین اسلام ندایی به گوش غرب نرسیده بدین جهت است، که غرب مطالعات خود را درباره اسلام به دو گروه اصلاح طلبان بنیادگرا (وهابیت و سلفی ها) و تجددگرایان (سید احمد خان در هند، عبده در مصر و تقی زاده در ایران) اختصاص داد دو گروه رقیبی که طی چند دهه اخیر

^۱ . Russel Train

بر سر بسیاری از مسائل اختلاف داشته اما در همین اخیر در سر پذیرش کورکورانه فن‌آوری جدید و بی‌توجهی کامل به آرای اسلامی سنتی درباره علم همداستان بوده‌اند و الا در بخش‌های بعدی به تفصیل دیدگاه اسلام را درباره طبیعت و محیط زیست مطالعه کرده و می‌بینیم اسلام در این باره دارای نظرات ارزشمند و بالایی است.

۳. موقت‌انگاری دنیا

هات، استاد الهیات و رئیس مرکز مطالعات علم و دین دانشگاه جرج تاون امریکا در بیان دیدگاه تعارض دین با محیط زیست، جهت‌گیری دین به سوی جهان فوق طبیعی را علت این می‌داند که برای حیات بر روی این سیاره ارزش بسیار کمی قائل باشد و به رفاه این جهان نیندیشد. ادیانی که به یک نجات بخش الهی در آینده امیدوارند حتی به ما اجازه می‌دهند که توجه به این جهان کنونی را ترک گوئیم. او با بیان این که این نگاه دین یک اصل اساسی اخلاق زیست محیطی را کنار می‌گذارد چنین می‌گوید:

یک اصل اساسی اخلاق زیست محیطی آن است که زمین را خانه واقعی خود تلقی کنیم، اما دین نمی‌تواند این جهان را به عنوان خانه ما بپذیرد. ... دین به ما می‌گوید ما صرفاً زائران یا مسافران روی زمین هستیم. چگونه این دیدگاه غیردنیایی می‌تواند ادعا کند که بوم‌شناسی را جدی بگیرید؟ بی‌وطنی جهانی که دین حکایت از آن دارد نمی‌تواند به اندازه کافی انرژی اخلاقی فراهم کند تا به نهضت بوم‌شناسی کمک کند (هات، ۱۳۸۲ش: ص ۳۰۳).

هات در بخش دیگری از سخنان خود و در بیان موضع تلاقی دین و محیط زیست می‌گوید: حداقل این است که اشتیاق انسان به امر ابدی، او را پیش از موعد از جامعه زمینی که به آن تعلق داریم جدا می‌سازد. بنابراین یک چنین جدایی دوگانه انگارانه بر تفکر دینی خصوصاً در گذشته، غالب بوده و نتیجه آوارگی کیهانی را بدنبال دارد. ... پس بنظر می‌رسد ما با معمایی حل ناشدنی مواجهیم، از طرفی آموزه‌های دینی به ما، می‌آموزند بدون خانه (تعلق به دنیا) زندگی کنیم و از سوی دیگر اخلاق محیط زیست اقتضا دارد که ریشه‌های خود را عمیقاً در طبیعت نفوذ دهیم. آیا می‌توان این دو احساس را با هم جمع کرد؟ (همان: ص ۳۱۱).

همچنین جان پسمور^۱ (۱۹۷۴) فیلسوف و بوم‌شناس استرالیایی همین مطلب را با بیانی دیگر طرح می‌کند:

اما اگر انسان‌ها خود را ... همان‌گونه که هستند، کلاً تنها، بدون آنکه هیچ کسی جز هم‌نوعشان آنان را

^۱. John Passmore

یاری کنند محصولات فرایندهای طبیعی بدانند که نسبت به بقای آن‌ها کاملاً بی‌تفاوتند، در این صورت با مشکلات بوم‌شناختی خود با متمم مقتضیاتش مواجه می‌شوند. آن‌ها نه از طریق تعمیم بلکه از طریق طرد کامل ایده قدسی به آن درک تلخ نائل می‌شوند. (Passmore, 1974, p184)

مراجعه به ادبیات غنی دینی، خصوصاً دین اسلام و مطالعه نگرش دین نسبت به دنیا، این اشکال یعنی احساس غربت و بی‌علاقگی نسبت به این دنیا که سبب عدم اهتمام به حفظ و نگهداری آن می‌شود، را مرتفع می‌سازد. در نگاه دینی گرچه هدف نهایی آخرت بوده و اهتمام ادیان الهی نیز بر این بوده که پیروان خود را برای ساختن دوران طولانی آخرت آماده سازند اما این هیچگاه به معنای بی‌توجهی به دنیا و رویگردانی از آن نیست. بلکه دنیا مزرعه آخرت دانسته شده و سعادت آخرت از مسیر دنیا معرفی شده است. هر کس مزرعه خود را ویران کند و به آن نپردازد حاصلی را در عالم آخرت نخواهد داشت.

در عبارات حضرت علی (ع) دنیا تجارتخانه و سجده‌گاه دوستان خدا معرفی شده (رضی، ۱۳۷۶: ص ۳۸۴، حکمت ۱۳۱) و کسانی که دنیا را مذمت می‌کنند مورد نکوهش قرار گرفته‌اند. (همان) همین‌طور علامه شهید مطهری دوستی دنیا را فطری دانسته (مطهری، ۱۳۶۶: ص ۲۶۴ و ۲۶۵) و به روایتی از علی (ع) استناد کرده که دوستی دنیا را به دوستی مادر انسان تشبیه می‌کنند (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۸۹۰، ح ۵۷۴۱). ایشان آنچه را آموزه‌های دینی درصدد نفی آن برآمده‌اند دنیا پرستی و غافل شدن از هدف نهایی می‌داند.

روشن است که افراد دنیاپرست اگر توجهی به دنیا دارند برای تأمین سود بیشتر و لذت بردن بیشتر از آن است و نمونه آن کسانی هستند که با ولع تمام به استفاده از منابع تمام شدنی و تخریب آن‌ها می‌پردازند تا بر تجمل دنیای خود بپردازند. قرآن کریم نیز این تصور را که مؤمنان نباید از نعمت‌های دنیا استفاده کنند، نادرست می‌شمارد و می‌فرماید:

قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق قل هي للذين آمنوا في الحيوۃ الدنيا خالصة يوم القيمة. (اعراف (۷)، ۳۲)

(ای پیامبر) بگو زیورهایی که خداوند برای بندگانش پدید آورده و (نیز) روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟! بگو این نعمت‌ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت نیز ویژه آنان است.

اهتمام ورزیدن به امور دنیا در کنار تلاش برای آخرت مورد تشویق قرار گرفته و کنارگیری از دنیا نهی شده است. چنان‌که در قرآن کریم می‌خوانیم:

وابتغ فيما اتيك الله الدار الآخرة و لاتنس نصيبك من الدنيا. (قصص (۲۷)، ۷۷)

یعنی با آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن.

حضرت علی (ع) کسانی را که آخرت را برای دنیا و دنیا را برای آخرت رها نمی‌کنند، بهترین

انسان‌ها می‌شمارد. (هندی، ج ۳، ص ۷۳۲، ح ۸۶۰۴)

از طرفی خود علم نیز در این جهت به ما کمک کرده است. علم به ما آموخته است که جهان خود یک ماجرای بی‌قرار است، طبیعت آنگونه که دانشمندان فکر می‌کردند، بی‌تغییر و ضروری نیست، کیهان، یک فرایند در حال جریان و یک داستان در حال شکوفا شدن است. .. فقط با پذیرش آوارگی خود جهان است که می‌توانیم بی‌وطنی و احساس غربت خود را در این جهان تسلی بخشیده و احساس آرامش کنیم. (هات: ص ۳۱۲)

۴. احیا و حیات

یکی از شبهاتی که عمدتاً بر آموزه‌های اسلامی نسبت به استفاده از منابع زیست‌محیطی وارد است مسئله احیا و حیات است. بر اساس برخی از روایات وارده از جانب امامان معصوم که بر طبق آنان فقها فتوا نیز داده‌اند هر کس زمین موات را به بهره‌برداری رساند، معدنی را استخراج کند، دریاچه‌ای اقدام به صید کند و ... مالک آن منابع می‌شود و به لحاظ این که محدودیتی هم در استفاده او وجود ندارد تهی‌سازی منبع، و تخریب محیط زیست را بدنبال خواهد داشت.

این در حالی است که این دو نهاد مکانیزم‌هایی هستند که توسط شرع برای میدان دادن به بخش خصوصی پیش‌بینی شده است، بر این اساس همه افراد براساس ضوابطی می‌توانند ضمن استفاده مطلوب از منابع طبیعی هم نیاز خود را برآورده ساخته و هم موجبات رشد و توسعه جامعه را فراهم آورند. ضمن این که موجب می‌شود تا از گسترش بی‌رویه و غیرضروری دولت نیز جلوگیری شود.

این نهادها در شریعت پایه تشویق بخش خصوصی در جهت تداوم نوآوری‌های تولیدی است؛ در حالی که امکان داشت بخش عمومی این نوع از زمین‌ها را به انحصار خود درآورده و خود اقدام به بهره‌برداری از آن‌ها کند.

در این که احیای ثروت‌های طبیعی موجب ملکیت احیاکننده می‌شود و نیز در شرایط آن اختلاف وجود دارد. مشهور فقیهان بر این عقیده هستند که احیاء در منابع با مالکیت دولتی موجب مالکیت احیاکننده می‌شود در مقابل گروهی مانند شیخ طوسی، بحرالعلوم، اصفهانی و شهید صدر از معاصران، فقط حق بهره‌برداری را برای او روا دانسته و معتقدند مادامی که او به بهره‌برداری (با حفظ شرایط) اشتغال دارد کسی نمی‌تواند مزاحم او شود اما همواره مالکیت منبع برای دولت محفوظ

است. ضمن این که که اجازه امام U یا ولی فقیه (دولت اسلامی) در اقدام به احیاء شرط است. با این مقدمات، نهاد احیاء توسعه پایدار را نقض نمی‌کند، زیرا دولت در تفویض اجازه احیاء شرایط بهره‌بردار و نیز معدن را در نظر می‌گیرد، و در طول بهره‌برداری نظارت او از طریق نهادهای نظارتی و ابزارهای کنترلی باقی است و به لحاظ حفظ مالکیت او، هر گاه ادامه فعالیت را به مصلحت نداند، اجازه بهره‌برداری را لغو می‌کند و در اختیار فرد دیگری قرار می‌دهد و در مواردی ممکن است خودتصدی کند. البته لازم است محدوده مصلحت و معیارهای آن مشخص باشد، به گونه‌ای که اقدام دولت به امنیت شغلی و سرمایه‌ای بهره‌برداران صدمه نزند. علاوه بر آن نوعاً بهره‌برداری از طریق بخش خصوصی صورت می‌گیرد و بنابراین زمینه‌های رقابت و کارایی نیز محفوظ است. بنابراین با مقدمات و فروض مذکور نهاد احیا منجر به آسیب وارد ساختن به محیط زیست و منابع زیست‌محیطی نخواهد شد

نهاد حیات، نیز که روش استفاده از مباحث عامه است بنابر حکم اولیه آن در این زمان که تعداد بهره‌برداران زیاد و ابزارهای صید و مانند آن هم پیشرفته شده است به گونه‌ای که در زمان کمی می‌توان مقادیر زیادی ماهی صید و تعداد زیادی از حیوانات جنگلی و مانند آن را شکار کرد، منجر به از بین رفتن گونه‌های جانوری، تخریب مراتع و مانند آن می‌شود اما در اینجا هم طبق اصل حاکمیت و نیز جلوگیری از اختلال نظام، دولت می‌تواند حیات را کنترل کرده و بر طبق معیارهایی که در اقتصاد منابع، نسبت به بهره‌برداری از این منابع آمده، مجوز بهره‌برداری از آن‌ها را صادر کند و نظارت خود را بر آن‌ها به منظور تحقق این شرایط محفوظ دارد. در این صورت تخریب محیط زیست، و ناسازگاری با توسعه پایدار پیش نخواهد آمد.^۱

دیدگاه‌های پیرامون محیط زیست

در مقدمه تحولاتی که در عرصه محیط زیست در مجامع جهانی ایجاد شده است را ملاحظه کردیم. در طی این دوره‌ها نگرش‌های متفاوتی نسبت به چگونگی برخورد با مسائل زیست‌محیطی وجود داشته و طیف‌های گسترده‌ای از طرفداران افراطی محیط زیست و گروه‌های افراطی طرفدار رشد اقتصادی، را تشکیل داده‌اند. بدون شک این دیدگاه‌ها متأثر از افکار فلسفی، اعتقادی نسبت به جهان و رویکردهای اخلاقی درباره آن است. مطالعه این دیدگاه‌ها شاهد بر این است که نگاه‌های تخریبی به محیط زیست بر گرفته از اندیشه‌های فلسفی است که با صرف نظر از آموزه‌های دینی و

^۱ . برای اطلاع تفصیلی از ادله درباره احیاء و حیات ن.ک. سعید فراهانی فرد، سازگاری بهره‌برداری از منابع طبیعی با توسعه پایدار در اسلام، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی حسین صادقی، ۱۳۸۴.

در فضایی کاملاً غیر دینی ایجاد شده و اتفاقاً ادیان الاهی خصوصاً در این باره دیدگاهی معتدل داشته که در بخش بعدی مقاله به آن اشاره خواهیم کرد.

دو نظام اخلاقی مهم و در عین حال متمایز، در ارتباط با نگرش نسبت به محیط زیست وجود دارد: فلسفه اخلاقی طبیعت‌گرا (اصالت طبیعت) و فلسفه اخلاقی انسان‌گرایی (اصالت انسان).

الف. فلاسفه اخلاقی انسان‌گرا:

در فلسفه انسان‌گرا، حقوق و تکالیف، فقط به جوهر و شخصیت وجودی انسان‌ها، چه به صورت فردی و یا اجتماعی مربوط می‌شود هر چند ممکن است انسان‌ها مایل به رعایت حقوق سایر موجودات و گونه‌های حیاتی باشند ولی سایر موجودات غیر از انسان هیچ حقوق یا مسئولیتی ندارند.

انسان‌گرایان خود شامل دو مکتب فایده‌گرا و آزادی‌خواه می‌شوند علی‌رغم این‌که هر دو مکتب حق حیات را منحصرأً متعلق به انسان می‌دانند در تفسیر مسائل و نتایج حاصل از آن‌ها اختلاف دارند. طرفداران مکتب اصالت فایده (هیوم و بنتام) نتایج حاصل از افعال انسان را فقط براساس این‌که تا چه حد در کامیابی جامعه نقش داشته‌اند قابل ارزیابی می‌دانند

در مقابل مکتب اصالت فایده، فلسفه اخلاق آزادی خواهان حقوق انسانی را ذاتاً متعلق به تک تک افراد می‌دانند و معتقد است مفاهیمی نظیر حقوق اجتماعی و حق جمعی و گروهی بی‌معناست.

بر این اساس، در نگاه مکتب اصالت فایده، گرچه حق حیات را منحصر در انسان می‌دانند با این وجود به لحاظ توجه به جامعه، تا جایی که حفظ گونه‌های حیوانی و گیاهی تأمین‌کننده منافع جامعه باشد در صدد حفظ آن بر می‌آید. در حالی که طبق مکتب آزادیخواه منافع فرد اهمیت دارد و به لحاظ این‌که افراد غالباً به آینده دور خود توجه ندارند خصوصاً این‌که محیط زیست نیز آثار خود را در فاصله زمانی که دورتر از یک نسل است نشان می‌دهد انگیزه‌ای برای حفظ آن وجود ندارد.

ب. فلسفه اخلاقی طبیعت‌گرا

برعکس انسان‌گرایی، در نظام طبیعت‌گرا، امتیاز و یا تقدم جوهر و شخصیت وجودی انسان، بر سایر موجودات رد شده، اخلاق فقط با ملاحظه برخی نظام‌های طبیعی شامل اجزای حیاتی و غیر حیاتی قابل تعریف است آلدو لئوپولد در این باره مطلبی می‌گوید که می‌توان آن را موضع بسیاری از طرفداران محیط زیست نیز دانست:

فقط چیزی حق است که گرایش به زیبایی، کمال و پایداری حیات اجتماعی داشته باشد در غیر

این صورت آن چیز باطل و غیرواقعی است (آلدو لئوپولد، ۱۹۴۹م: ص ۲۶۲ به نقل از پرم، ۴۶)

واتسون (۱۹۷۹) یکی از نویسندگان کتب طبیعت‌گرا، اصل مورد توجه کانت مبنی بر این‌که احترام به انسان ضروری است را با استفاده از اصل دیگری تحت عنوان واکنش متقابل نسبت به حیوانات رده بالا و باهوش تسری داده است. گودپاستر (۱۹۷۸) با طرح این‌که تعهدات انسان نسبت به سایر حیوانات گسترش یافته، نتیجه گرفت هر موجودی در عالم هستی جدا از زنده بودن دارای حقوقی است که باید از طرف دیگران رعایت شود. هانت (۱۹۸۰) این مسأله را به همه موجودات گسترش داد و گفت تمام موجودات هستی اعم از زنده و مرده، با روح و بدون روح دارای حقوق ذاتی هستند (همان: ص ۶۶ - ۴۹).

معمولاً بوم‌شناسان افراطی که هرگونه تصرف در طبیعت را منع می‌کنند دارای چنین بینشی هستند. در ادبیات محیط زیست، دیدگاه‌هایی وجود دارد که متأثر از دیدگاه‌های فلسفی، فوق هستند که از جمله می‌توان به طرفداران عمل‌گرای محیط زیست (حراست‌گرایان و حفاظت‌گرایان)، طرفداران احساساتی محیط زیست، دیدگاه فن محوری و اقتصاد محوری اشاره کرد.

جایگاه طبیعت و محیط زیست در نظر ادیان و مذاهب

از آن‌جا که طبیعت و دنیای خاکی، زادگاه و محل نشو و نماي انسان است، همواره مورد احترام ادیان قرار گرفته و احترام به آن به انسان نیز سفارش شده است. حتی در مواردی تأکید ادیان آسمانی بر این مسأله، موجب افراط از جانب انسان‌ها شده و تکریم طبیعت به تقدیس مظاهری از آن انجامیده است و در مواردی نیز به عنوان آفریدگار مورد پرستش قرار گرفته است به طوری که در ادیان باستان و در میان اکثر ملل باستانی، باران، آب، رعد و برق، دریا و طوفان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و در آفرینش جهان دارای نقش و تأثیر بودند. از طرفی یاد کردن طبیعت به زیبایی از جانب شریعت، موجب آن نشده است در مواردی هم، از دلبستگی شدید به این کره خاکی نهی صورت گیرد و هدف نهایی انسان، جای دیگر معرفی شود. زهد افراطی در برخی ادیان و عدم توجه به بعد مادی انسان در برخی ادیان شرقی نیز سبب نشده است که نسبت به اصل طبیعت و مظاهر آن بی‌توجهی صورت گیرد به طوری که در این ادیان به ویژه در مائوئیسم و هم‌چنین در آیین کنفوسیوس نوعی سرسپردگی نسبت به طبیعت و ادراک اهمیت متافیزیکی آن مشاهده می‌شود. در آیین بودا هر فرد باید هر چند سال یکبار درختی را در زمین بکارد و تا زمانی که آن درخت مطمئناً بر پای ایستد و قوام گیرد از آن نگهداری کند (شوماخر، ۱۳۷۲ش: ص ۴۶).

در اعتقاد مصریان باستان، نیز آغاز و انتهای عالم را آب تشکیل می‌دهد، یعنی خلقت جهان از آب بوده و در پایان نیز سراسر گیتی را آب دربر می‌گیرد. در اعتقاد اینان خدای اصلی و پر قدرتی چون

«آتوم» از آب سر در می آورد.

در اعتقاد سومریان «آنکی» خدای آب اولین خدایی است که به آفرینش دست می زند. در این ادیان، آب، باران و عناصر همگون فقط یک مظهر عادی طبیعی نیستند بلکه اصل و ریشه همه چیزند (تازه کام و شیخی، بی تا: ص ۵۴). در ادیان عبری نیز بر اهمیت مظاهر طبیعی خصوصاً آب تأکید رفته است. از جمله در سفر آفرینش تورات آمده است:

در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید. زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه، و روح خدا سطح آبها را فرو گرفت. ... خدا گفت فلکی باشد در میان آبها و آبها را از آبها جدا کند. خدا فلک را ساخت و آبهای زیر فلک را از آبهای بالای فلک جدا کرد و چنین شد (کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب ۱۰، ش ۱).

در فصل دیگری از کتاب مقدس از تسبیح کردن و عبادت آسمانها، آب، آتش، تگرگ، برف، مه، باد تند و نهنگان و جمیع لجهها یاد نموده است (همان: سفر مزامیر، باب ۱۰۴، ش ۳-۲۵). اکنون نیز، اعتقادات مذهبی نقش مهمی در روند اجرایی مدیریت زیست محیطی بازی می کنند به عنوان مثال در پاره‌ای از کشورها بعضی از پارک‌های ملی که اغلب باقی مانده از جنگل‌های سابق هستند، مقدس شمرده می شوند. یا در مواردی اکولوژیست‌های غیر مسیحی، برای ایجاد دگرگونی در شعور انسان از طبیعت الهام می گیرند به این صورت که آن‌ها را به رعایت حرمت طبیعت تشویق می نمودند.

جایگاه و اهمیت محیط زیست در اسلام

دین اسلام که همواره در تعالیم نورانی خویش مطابق با فطرت آدمیان راه وسط را در پیش گرفته است در برخورد با طبیعت و مواهب طبیعی نیز آنچنان دست انسان را باز گذاشته تا هر نوع تصرفی بخواهد در آن‌ها بکند و به بهای نابودی این نعمت‌های خدادادی، زندگی خود را اداره کند و تجمل بخشد و نه اجازه می دهد بشر طبیعت را به علت عظمت آن، خدای خویش دانسته و در مقابل آن به سجده بیفتد و هیچ گونه تصرفی در آن ننماید و صرفاً به دیده تقدیس به آن بنگرد. بلکه در عین این که فرموده است ما همه جهان را برای آسایش انسان و مسخر و فرمانبردار او آفریده‌ایم، از طرف دیگر آن‌ها را موجوداتی فاقد روح ندانسته بلکه به عنوان آیه و کلمه خداوند و موجوداتی دارای شعور نسبی که تسبیح‌گوی خداوند معرفی کرده و برای همه آن‌ها اعم از حیوان و گیاه حقوقی در نظر گرفته و انسان‌ها را به رعایت آن حدود و حقوق دعوت می کند.

نگرش اسلامی به نظام و محیط زیست طبیعی مانند هر چیز دیگری که اسلامی باشد ریشه در قرآن دارد. سخن قرآن به عنوان کتاب مقدس، متوجه کل جهان اعم از انسان، جانوران و گیاهان است. قرآن مرزبندی قاطعی میان امر طبیعی و فوق طبیعی، یا میان عالم انسانی و عالم طبیعی ترسیم نمی‌کند. در نتیجه نفسی که پروده و قائم به قرآن است، عالم طبیعی را دشمنی طبیعی نمی‌شمارد که باید بر آن چیرگی یافت بلکه به عنوان جزء مکمل جهان دینی انسان به آن می‌نگرد که در حیات زمینی‌اش و به یک معنی حتی در سرنوشت نهایی او هم شریک است.

فرزانگان مسلمان بسیاری در طی اعصار و قرون، بعد جهانی قرآن را شرح و تفصیل کرده‌اند و به قرآن کیهانی یا هستی‌شناختی (قرآن التکوینی) که متمایز از قرآن مکتوب (قرآن التدوینی) و مکمل آن است، اشاره داشته‌اند. آنان به این واقعیت کاملاً واقف بودند که قزآن به پدیده‌های طبیعت و رویدادهای درون نفس آدمی، آیات اطلاق می‌کند، اصطلاحی که برای آیات قرآن هم بکار رفته است. آنان کتاب عالم هستی، سوره‌ها و آیاتش را می‌خواندند و پدیده‌های طبیعت را نشانه‌های مؤلف کتاب می‌دیدند.

قرآن در نهایت طبیعت را یک تجلی الاهی بر انسان می‌داند که هم خداوند را محجوب می‌دارد و هم او را مکشوف می‌سازد.

... در نتیجه این نگرش به طبیعت که حدود و ثغور آن در قرآن تعیین شده و در حدیث و سنت پیامبر مورد تأکید قرار گرفته است، مسلمانان همیشه به طبیعت عشق می‌ورزیده‌اند، طبیعتی که بازتابی از واقعیات بهشتی در این عالم پایین است. سعدی شاعر ایرانی این بیت مشهور را سروده است:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
(نصر، ۱۳۷۹ش: ص ۲۱۶)

دست‌پروده چنین مکتبی هیچگاه در صدد تخریب آنچه به آن عشق می‌ورزد نخواهد بود. نتیجه این که انسان دین‌باور، ایمان خود را در همین دنیا تقویت کرده و مسیر هدف نهایی او در همین دنیا شکل می‌گیرد و در سایه تخلق به اخلاق الاهی، رفتارش کنترل می‌شود و نسبت به همه موجودات و از جمله طبیعت و نیز انسان‌های نسل‌های آینده مسؤولیت پیدا می‌کند. در جهان‌بینی او، انسان نماینده خدا در روی زمین بوده و زمین و سایر مواهب طبیعی، امانتی در دست اوست که در مسیر هدایتش از آن‌ها استفاده کند و به‌طور مسلم، تخریب محیط و یا تضییع حقوق دیگران با هدایت او سازگاری ندارد.

انسان در سایه ایمان خود، تکبر، حرص و طمع خود را علاج کرده و بی‌عدالتی را معالجه می‌کند،

چیزی که سبب می‌شود فقیران جنگل‌ها را قطع کرده و زمین‌های خود را آلوده تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند. او نسبت به زیبایی‌های خلقت دائماً شکرگزار بوده و فراتر از هر چیز شفقت و مهربانی را نه فقط برای هم‌نوعان خود بلکه برای حیوانات و سایر موجودات زنده در خود تقویت می‌کند.

در این قسمت با بررسی آیات قرآن کریم و نیز روایات ائمه اطهار □ جایگاه واقعی پدیده‌های طبیعی را به‌طور عام و محیط زیست را به‌طور خاص، در منظر دین مبین اسلام مورد توجه قرار می‌دهیم. در این مطالعه و نیز بررسی راهکارهایی که از جانب شریعت به منظور کنترل انسان در جهت محافظت از امانت الاهی تعبیه شده، این اعتقاد در ما تقویت می‌شود که دین در هسته خود متضمن یک نگرانی زیست‌محیطی است.

۱. خداوند کریم که خود مظهر جمال و زیبایی است سراسر گیتی را به زیبایی می‌ستاید،

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (سجده (۳۲)، ۷)

و در خلقت انسان به عنوان اشرف مخلوقات و زیباترین زیباها

وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ (تغابن (۶۴)، ۳)

به خود تبریک می‌گوید فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (مؤمنون (۲۳)، ۱۴)

براساس تبیینی که از عدالت به معنای عام شده است گفته شده (فراهانی فرد، ۱۳۸۴: ص ۹۸) خلقت اولیه جهان، متناسب و بدون هیچ نقصی است و همه گونه‌های حیاتی (جانوران و گیاهان) در چرخه زیست متناسب و به میزان ضرورت آفریده شده است. هماهنگی در بهره‌برداری گونه‌های مختلف از طبیعت طوری است که آسیبی به تناسب آن وارد نمی‌کند مثلاً اگر جانوران برای ادامه حیات نیاز ضروری به اکسیژن دارند و گاز کربنیک دفع می‌کنند، همین گاز که برای جانوران و از جمله انسان خطرناک است برای گونه‌های گیاهی مایه حیات است. وجود لایه ازن، به عنوان محافظی برای کره زمین، هماهنگی بین جاذبه و گریز از مرکز و هزاران مسأله دیگر برگ کوچکی از کتاب بزرگ آفرینش است که بر قدرت، حکمت، علم و عدل الاهی، و به تبع همه آن‌ها به تناسب و توازن مجموعه هستی گواهی می‌دهند

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ (ملک (۶۷)، ۳)

همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید. در آفرینش آن (خدای) بخشایشگر هیچ گونه

اختلاف (و تفاوتی) نمی‌بینی. بازنگر، آیا خلل (و نقصانی) می‌بینی؟

۲. خداوند آنچه را در طبیعت برای بهره‌برداری انسان قرار داد به عنوان طبیات از آن یاد کرده

است و چنین نعمتی را در سایه کرامت انسان معرفی نموده است.

لقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات (اسراء (۱۷)، (۷۰)
علامه طباطبایی در ذیل همین آیه می‌فرماید:

مقصود از طیبات در جمله و رزقناهم من الطیبات اقسام میوه‌ها و حاصل‌هائی است که مورد استفاده و خوش‌آیند بشر بوده و هر چیزی دیگر است که از آن متنعم گشته و لذت می‌برد، و عنوان رزق بر آن صادق باشد، و این نیز یکی از مظاهر تکریم است که انسان را به میهمانی مثل می‌زند که به ضیافتی دعوت شود آنگاه برای حضور در آن ضیافت برایش مرکب بفرستند، و در آن ضیافت انواع غذاها و میوه‌ها در اختیارش بگذارند، که هم میهمانی تکریم است، و هم مرکب فرستادن و هم غذاهای لذیذ برایش آوردن همه مصداق تکریم است.

۳. خداوند متعال هر چه را در این عالم هستی است و از جمله پرندگان، حیوانات و کوهها و دریاها و ... دارای شعور و تسبیح گوی و ستارگان و درختان را نیز چهره سایان خود معرفی می‌نماید و می‌فرماید اما آدمیان از درک تسبیح آنان ناتوانند. (الرحمن (۵۵): ۶؛ رعد (۱۳): ۱۳؛ اسراء (۱۷): ۱۴ و آیه اول از سوره‌های حدید (۵۷)، حشر (۵۹)، صف (۶۱)، جمعه (۶۲) و تغابن (۶۴)).
این مطلب در روایات فراوانی نیز یادآوری شده است، از جمله در تفسیر المیزان در روایتی از امام صادق (ع) است که فرمودند:

رسول خدا ﷺ نهی کردند از این که چارپایان را داغ کنند، و این که مردم به صورت آن‌ها بزنند و فرمود: زیرا چارپایان هم خدا را به حمد تسبیح می‌گویند. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱۳، ص ۱۶۶).

بنابراین می‌توان ادعا کرد که اساس و بنیان هستی و عالم وجود بر ادراک و عشق بنا شده لکن میزان درک و شعور موجودات بر حسب ظرفیت وجودی آنان متفاوت است.

جمله ذرات عالم در نهان	با تو می‌گویند روزان و شبان
ما سمیعیم و بصیریم و هشیم	با شما نامحرمان ما خامشیم
از جمادی در جهان جان روید	غلغل اجزای عالم بشنوید
فاش تسبیح جمادات آیدت	وسوسه تأویلها برایدت
نطق آب و نطق خاک و نطق گل	هست محسوس حواس اهل دل

و شاید بر همین اساس بتوان گفت که طبیعت با روح و احساس خود در برابر هر عمل انسانی عکس‌العملی در خور نشان می‌دهد، هر خشونت را با خشونت و هر رأفتی را با محبت پاسخ

می‌گوید چه کلیه عناصر طبیعت حرمتی در خور خویش دارند و احساسی و روحی در حد. اگر آن احساس درک نگردد و آدمی بدون رعایت حرمت و حیات عناصر محیط با آنها رفتار نماید، در حقیقت زندگی خود را تباه ساخته و تیشه به ریشه خویش زده است.

۴. خداوند متعال در قرآن کریم (آیات اول از سوره‌های شمس، ضحی و تین) کراراً به مظاهر طبیعت سوگند یاد نموده است و بدیهی است که متعلق سوگند از اهمیت و اعتبار بالایی در نزد خداوند برخوردار است و در موارد مشابه خداوند به عزت خود، به نفس پیامبر، شهر مکه و ... که اهمیتشان بر همگان آشکار است سوگند یاد کرده است، ضمن این که موضوعاتی که خداوند برای اثبات آن‌ها قسم خورده است مانند قیامت و مانند آن نیز از موضوعات مهم و قابل توجه است.

۵. پروردگار جهانیان، طبیعت را به عنوان آیه و نشانه شناخت خود و پی بردن به عظمت او و نیز تغییر فصل‌های سال «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران ۱۹۰ و نیز ببینید: نور: ۴۴) و زندگی مجدد طبیعت پس از مرگ زمستانی را یادآور قیامت «وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (اعراف (۷)، ۵۷) معرفی نموده است و ضمن دعوت انسان‌ها به تفکر در آفرینش آسمان و زمین، کسانی که از این نشانه‌ها پند می‌گیرند صاحبان خرد و اندیشه برشمرده است «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ» (روم (۳۰)، ۱۹).

۶. در جامعه مهدوی، که الگوی مطلوب جامعه اسلامی است، محیط زیست از وضعیت خوبی برخوردار است. به طوری که بسیاری از زمین‌ها سرسبز و از درخت پوشیده می‌شود به‌طور مثال از امام علی نقل شده:

زمانی که قائم ما قیام کند آسمان باران خود را بفرستد و زمین نبات خود را برویاند

به طوری بین عراق و شام را سزسبزی فرا می‌گیرد. (مجلسی، همان: ج ۱۰، ص ۱۰۴)

همچنین از امام صادق نقل شده است که بین مکه و مدینه از نخل پوشیده می‌شود (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۳۴۶).

همچنین منابع پایان‌پذیر همانند پرندگان و ماهی‌ها زیاد خواهند شد ضمن این که استفاده بی‌رویه از این منابع صورت نخواهد گرفت.

إذا كان عند خروج القائم ... فعند ذلك تفرخ الطيور في أوكارها و الحيتان في بحارها و تمد

الأنهار و تفيض العيون و تنبت الأرض ضعف أكلها (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۵۴)

در زمان حضرت، زایش پرندگان در لانه‌ها و ماهی‌ها در دریاها زاید می‌شود، رودها گسترش

می‌یابد، چشمه‌ها می‌جوشد و زمین دوبرابر محصول می‌دهد.

همچنین حضرت با هرگونه اقدامی که به تخریب محیط زیست بینجامد، مقابله می‌کند. در روایتی

که از امام معصوم، نقل شده آمده است:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ... وَ يُوسَعُ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ ... وَ يَهْدِمُ كُلَّ مَسْجِدٍ عَلَى الطَّرِيقِ وَ كُلَّ جَنَاحٍ وَ كَنِيفٍ وَ مِيزَابٍ عَلَى الطَّرِيقِ. (نوری، همان: ج ۱۷، ص ۱۲۱، ح ۱۱).

وقتی امام زمان ظهور می‌کند ... راه‌های بزرگ را توسعه می‌دهد ... و مساجد سر راه،

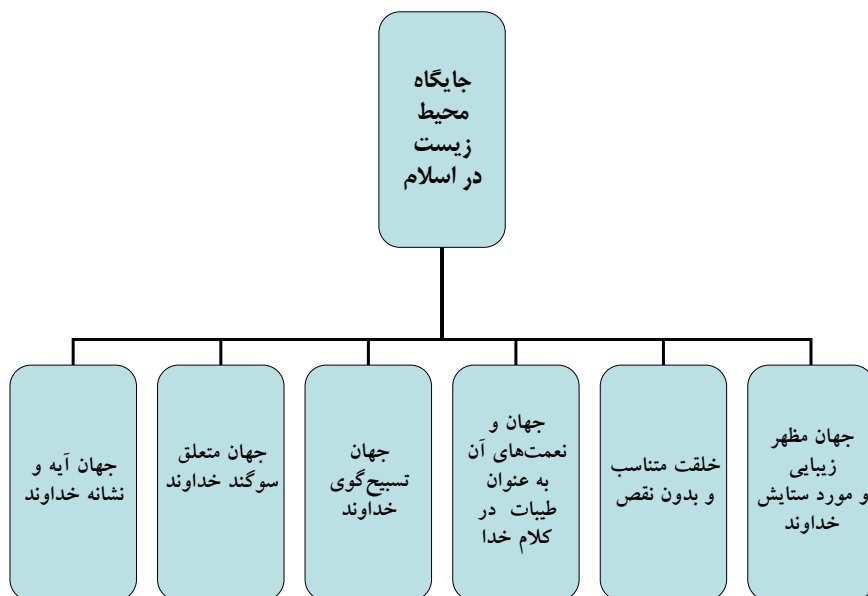
ناودان‌ها، بالکن‌ها و دستشویی‌هایی که در سر راه هستند را تخریب می‌کند.

از بررسی این آیات معلوم می‌شود طبیعت و مظاهر آن اعم از گونه‌های حیوانی، گیاهی و حتی

جمادات نیز در نزد خداوند ارزشمند هستند و انسان نمی‌تواند به منظور تأمین اغراض خود آن‌ها را

از بین ببرد. انسان معتقد به خدا با آیات خداوند و آنچه خداوند به آن‌ها قسم یاد کرده و موجوداتی

که خداوند را تسبیح و تقدیس می‌کند، برخورد ناروا نخواهد داشت.



راهکارهای حفظ محیط زیست در اسلام

جهت‌گیری اسلام در آفرینش انسان این است که خداگونه شود و همه زمینه‌های لازم اعم از عقل

و فطرت به عنوان رسول باطنی در کنار پیامبران به همراه کتاب راهنمای زندگی، را در اختیار او

گذاشته و از جمله به او سفارش کرده امانتی را که به عنوان ابزاری در راستای تکامل او در اختیارش

نهاده شده به خوبی حفظ کند.

هرگاه آدمیان به این تعالیم گوش جان سپرده و عمل کنند و راه و رسم بندگی و خلیفه‌اللهی را بپمایند و با امانتی که خداوند در اختیارشان قرار داده، براساس رهنمودهای ارائه شده از جانب دین عمل نمایند، مشکلات فراوان زیست محیطی که اکنون با آن مواجه هستیم رخت بر می‌بندد. مثلاً هر گاه انسان‌ها حقوق یکدیگر را رعایت کنند، در بهره‌برداری از مواهب طبیعت راه اعتدال را پیش گرفته و دست از زیادت‌طلبی، حرص و آرز، اسراف و اتلاف بردارند، در این صورت همین دنیای خود را بهشت می‌یابند. با این وجود علاوه بر این که جهت‌گیری ادیان الاهی رسیدن انسان به نقطه اوج کمال و انسانیت است برای پرهیز از غیر واقع‌گرایی، راهکارهایی در متن دین دیده شده تا جوامع در هر سطحی از ایمان به خداوند و عامل به فرامین و رهنمودهای دینی باشند بتوانند محیطی نسبتاً سالم داشته و از تجاوز انسان‌های متخلف جلوگیری کنند.

تعالیم الاهی در این رابطه، معمولاً دارای دو چهره‌اند، برخی از این تعالیم به منظور حفظ حداقل‌های لازم، به عنوان تکالیف الزامی تشریح شده و حتی مکانیزم‌هایی نیز برای ضمانت اجرای آنها پیش‌بینی شده است. دسته دیگر با عنوان رهنمودهای اخلاقی و به منظور حرکت به سوی جامعه ایده‌آل و مطلوب خداوند طراحی گردیده‌اند. از جهت دیگر نیز بعضی از آموزه‌ها با نگاه فردی و تعیین وظیفه فرد بوده و بعضی نیز با نگاه کلان و از دید اجتماعی بیان شده است.

۱. آموزه‌های فردی

الف. تکالیف الزامی

برخی از تکالیف الزامی که از آیات و روایات و نیز قواعد فقهی استفاده می‌شود عبارتند از:

یک. اجتناب از ظلم

براساس قاعده عدالت، باید در رفتارهای خود در ارتباط با محیط زیست از هر گونه ظلم و تعدی به انسان‌های دیگر (اعم از نسل موجود و یا نسل‌های آینده) پرهیز کنیم. و شکی نیست که هر فعالیتی که به نحوی آلودگی محیط زیست را بدنبال داشته باشد، از مصادیق بارز ظلم محسوب می‌شود.

دو. اجتناب از ضرر رسانی و اتلاف منابع عمومی

برخی از افراد و بنگاه‌های اقتصادی برای بیشینه‌کردن سود خود، ممکن است اقدام به تخریب محیط زیست بنمایند، آلوده‌ساختن هوا، آب دریاها و رودخانه‌ها، فعالیت‌های تأثیرگذار بر لایه ازن از مصادیق تخریب طبیعت محسوب می‌شوند و به دنبال آن پیامدهای دیگری چون کوتاه شدن عمر انسان، شیوع بیماری‌ها بویژه بیماری‌های پوستی، از بین رفتن برخی از گونه‌های گیاهی و حیوانی را به دنبال خواهد داشت، و طبق قاعده لاضرر، قاعده اتلاف و تسبیب، مسبب این پیامدها گناهکار بوده و از نظر حکم وضعی نیز ضامن محسوب می‌شود.

سه. اجتناب از اسراف

گرچه مصادیق بارز اسراف، کمی بوده و بیشتر استفاده بیش از حد منابع طبیعی را شامل می‌شود با این وجود، تخریب محیط زیست، آلوده نمودن آب‌ها و هوا و سایر مصادیق آلودگی، به سبب این‌که بهره‌مندی انسان از این منابع را کاهش داده حکم اسراف را داشته و حرام است.

چهار. نهی از فساد روی زمین

خداوند متعال ضمن تأکید بر این‌که نظام هستی براساس صلاح آفریده شده در موارد متعددی از ایجاد فساد در این نظام نهی می‌نماید و می‌فرماید:

«لَاتْفَسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف: ۵۶)

همچنین مصداق بارز مفسدان در روی زمین را کسانی می‌داند که به تخریب آن می‌پردازند و کشت و نسل را نابود می‌کنند:

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (بقره ۲)،
(۲۰۵).

و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد، و خداوند تباهاکاری را دوست ندارد.

تمام کسانی که به شکل‌های مختلف امکان استفاده از زمین را از بین برده و یا با آلوده کردن هوا، اسراف در مصرف منابع و ... زمینه نابودی نسل‌های آتی را فراهم می‌کنند مشمول این آیه خواهند شد.

در آیه دیگر، خداوند متعالی کسانی را که دست به تخریب مظاهر زیبایی خداوند زده و نظام باشکوه آفرینش را به آلودگی تباہ می‌کنند، مورد نکوهش قرار می‌دهد نارسایی‌ها و مشکلات بر روی زمین را ناشی از اعمال انسان‌های فاسد قلمداد می‌کند ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (روم (۳۰): ۴۱)

لحن شدیدی که در این آیات نسبت به افراد مفسد و تخریب‌گر وارد شده حاکی از شدت توجهی است که خداوند نسبت به حفظ محیط زیست به عنوان ظرف رشد و تکامل انسان دارد. هدف اصلی از خلقت جهان هستی، انسان بوده است و این‌که او در راه تعالی خود هیچ‌گونه نقصانی نداشته باشد.

ب. رهنمودهای تشویقی (اخلاقی)

همان‌طور که در مقدمه این بحث نیز اشاره شد، اصل اولیه اسلام براین قرار گرفته که با تربیت انسان خود او را به نگهداری از محل زندگی خود وادارد و اتفاقاً چنین روش‌هایی در عمل بهتر جواب داده است. به همین جهت آیات و روایات زیادی با این نگرش وجود دارد که به بعضی از

آن‌ها از باب نمونه اشاره می‌کنیم.

یک. خداوند انسان را به عنوان نماینده و جانشین «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» و امانتدار خود معرفی نموده (بقره (۲): ۳۰) و اسباب خلافت را با تعلیم اسمای حسناى خود برایش فراهم نموده «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره (۲): ۳۱) و ضمن آن از او خواسته به آبادی امانتی که در به او سپرده شده یعنی زمین و مظاهر آن پردازند و آن را از هر گونه گزند و تباهی بازدارد. «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود (۱۱۹): ۶۱).

دو. روایات فراوانی درباره تأکید دین بر نظافت (اعم از نظافت شخصی، منزل و محیط) وارد شده و حتی از اصول و نشانه‌های ایمان دانسته شده، بعلاوه خداوند عبادات خود را نیز با نظافت قرین ساخته است. وضو و غسل که مسلمانان به آن رهنمود شده‌اند به نظافت تعلیل شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۳، ص ۳۶۴؛ ج ۷۸، ص ۲)، هنگام رفتن به مساجد سفارش شده است که مسلمانان بهترین لباس خود را بپوشند. همچنین در روایتی از امام صادق (ع)، آمده است:

لا تطيب السكنى إلا بثلاث الهواء الطيب و الماء الغزير العذب و الأرض الخوارة. (همان: ج ۷۵، ص ۲۳۴).

زندگی بدون داشتن سه چیز بر انسان گوارا نمی‌باشد: هوای تمیز، آب فراوان و گوارا و زمین حاصلخیز.

روشن است که موارد فوق از مصادیق بارز محیط زیست سالم و در نتیجه داشتن زندگی با نشاط می‌باشد.

سه. در روایات فراوانی به حفظ راه‌ها، آب‌ها و سایر اماکن عمومی توجه داده شده و از هرگونه آسیب‌رساندن به این ثروت‌ها نهی شده و از کسانی که در این راه تلاش می‌کنند، تمجید شده است چنانچه براساس روایت پیامبر اکرم (ص) هر کس از راه مسلمانان، چیزی را که باعث رنجش رهگذران است برطرف کند خداوند اجر خواندن ۴۰۰ آیه از قرآن برای او ثبت می‌کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَمَاطَ عَنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ مَا يُؤْذِيهِمْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أُجْرَ قِرَاءَةِ أَرْبَعِمِائَةِ آيَةٍ كُلَّ حَرْفٍ مِنْهَا بَعْشَرُ حَسَنَاتٍ (نوری، همان: ج ۱۲، باب ۱۹ از ابواب فعل المعروف، ح ۳ ص ۳۸۵)

به همین جهت امام سجاده (ع) هر گاه کلوخی را در راه می‌دیدند از مرکب پیاده شده و آن از سر راه برمی‌داشتند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: لَقَدْ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) يَمُرُّ عَلَى الْمَدْرَةِ فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ فَيَنْزِلُ

عَنْ دَابَّتِهِ حَتَّى يُنَحِّيَهَا بِيَدِهِ عَنِ الطَّرِيقِ (همان: ح ٤).

از آن طرف کسانی که مسیر مردم را آلوده کرده یا مانعی در آن ایجاد می‌کنند سرزنش شده‌اند رسول گرامی اسلام □ فرموده‌اند:

ثَلَاثٌ مَلْعُونٌ مَنْ فَعَلَهُنَّ: الْمُتَعَوِّظُ فِي ظِلِّ النَّزَالِ وَالْمَانِعُ الْمَاءَ الْمُتَّابَ وَ سَادُّ الطَّرِيقِ الْمَسْلُوكِ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۳۲۵)

سه گروهند که در اثر کار خود مورد لعنت خداوند قرار می‌گیرند: الف. کسانی که اماکن عمومی، سایه‌بان‌ها و محل پیاده شدن مسافران را آلوده کنند. ب. کسانی که آب عمومی (آب نوبتی) را غصب کنند. ج. کسانی که سد معبر کرده و مانع عبور عابران شوند.

در روایت دیگری، امام صادق U از قول پدرانش از پیامبر خدا □ نقل می‌کند:

قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ □ أَنْ يُتَعَوِّظَ عَلَى شَفِيرِ بَثْرِ مَاءٍ يُسْتَعَذَبُ مِنْهَا أَوْ نَهْرٍ يُسْتَعَذَبُ أَوْ تَحْتَ شَجَرَةٍ فِيهَا ثَمَرَتُهَا (همان).

پیامبر اکرم □ از قضای حاجت در کنار چاه آب آشامیدنی، نهر آب، و یا زیر درخت میوه نهی کردند.

همه این‌ها بر اهتمام دین بر پاکیزگی محیط زندگی و حفظ آن از هر گونه آلودگی دلالت دارد حتی در مواردی کارهایی از این قبیل ضمان‌آور دانسته شده است، از جمله امام صادق U می‌فرماید:

«من اخرج ميزاباً او كنيفاً او اوتد وتداً او اوثق دابه او حفر شيئاً في طريق المسلمین فاصاب فعطب فهو له ضامن» (حرّ عاملی، همان: ج ۲۹، ص ۲۴۵) یعنی هر کس ناودان یا گودال و یا چاهی در راه مسلمانان ایجاد کند و یا میخی در جای بکوبد و یا حیوانی را در جایی ببندد و کسی در اثر برخورد با آن صدمه ببیند ضامن آن است.

چهار. در روایات زیادی مسلمانان تشویق به درختکاری، زراعت و سایر فعالیت‌هایی که به نحوی در طراوت و سرسبزی محیط مؤثرند، شده‌اند از جمله در روایتی از پیامبر اکرم □ آمده است:

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْساً أَوْ يَزْرَعُ زَرْعاً فَيَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ (نوری، ۱۴۰۷ق: ج ۱۳، ۴۶۰، ح ۳).

مسلمانی که نهالی بکارد یا زراعتی به عمل آرد و از آن انسان، پرنده، یا حیوانی استفاده کند، در نامه اعمال او ثواب صدقه نوشته می‌شود. و نیز فرموده‌اند: کسی که درخت میوه‌ای بکارد، خداوند به اندازه ثمر آن به او اجر می‌دهد.

مَنْ غَرَسَ غَرْساً فَأَثْمَرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الثَّمَرَةِ (همان: ح ٤).

امام صادق U زراعت و کشاورزی را از محبوب‌ترین اعمال دانسته و فرموده است تمامی پیامبران

غیر از ادريس که شغل خیاطی داشت، کشاورز بودند.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّهُ قَالَ مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الزَّرْعَةِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَرَعًا إِلَّا إِدْرِيسَ ع فَإِنَّهُ كَانَ خِيَّاطًا (همان: ص ۴۶۱، ح ۳).

پنج. احترام به محیط زیست و انواع گونه‌های جانوری و گیاهی در مناسک حج و در حرم امن الهی به مسلمانان یادآوری می‌شود شکار صید و قطع نمودن اشجار و گیاهان در حالت احرام از محرّمات محسوب شده و در صورتی که حاجی مرتکب آن شود باید کفاره بپردازد و نکته قابل توجه این است که کفاره تمام محرّمات احرام مبتنی بر تعمد و قصد است در حالی که نسبت به صید حتی در صورت عدم توجه نیز باید کفاره بدهد.

شش. نهادینه ساختن فرهنگ آینده‌نگری و خروج از پيله خودنگری، در روایات و نیز آموزه‌های فقهی فراوان به چشم می‌خورد. روایاتی که انسان‌ها را به عمران و آبادی زمین تشویق می‌کند؛ تشویق به ارث باقی گذاشتن و به فکر آینده فرزندان بودن؛ تشویق به وقف و صدقات جاریه؛ از این قبیل هستند. به‌طور طبیعی، چنین فرهنگی، تدبیر نسبت به آینده محیط زیست را نیز به همراه دارد.

در روایتی از پیامبر اکرم تشویق به آینده‌نگری به خوبی ترسیم شده است حضرت فرموده‌اند:

إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمْ الْفَسِيلَةُ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا تَقُومَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسَهَا (همان: ح ۵)

هرگاه نهال خرما جهت کاشتن در دستتان بود و قیامت برپا شد، اگر قادر بر کاشت آن تا وقوع قیامت بودید، آن را بکارید. آبادی و عمران زمین برای انسان مطلوبیت دارد، گرچه کسی از آن بهره نبرد.

۲. آموزه‌های اجتماعی

دین اسلام، مکتبی است اجتماعی و بخش قابل توجهی از تعالیم آن نیز با نگاه کلان و قرار داشتن فرد در اجتماع تشریح شده است. اصولاً مهمترین فلسفه دولت اسلامی و این که پیامبر اسلام □ خود در اولین فرصت اقدام به تشکیل دولت کردند، احکام اجتماعی اسلام است. در ارتباط با مسأله محیط زیست نیز، خداوند متعال به احکام فردی اکتفا نکرده و برای این که این تحقق هدف تضمین بیشتری داشته باشد در قالب احکام اجتماعی نیز راهکارهایی ارائه کرده است.

یک. نهاد امر به معروف و نهی از منکر

آنچه از مذاق شارع قابل استنباط است این است که مطلوب او این است که بسیاری از اهداف اجتماعی، در مرحله اول از طریق خود مردم صورت گیرد و ضمانت اجرای آن‌ها نیز خودشان باشد، تأسیس نهاد امر به معروف و نهی از منکر، و یا نهاد حسبه و قرار دادن آن در کنار نماز و روزه و ... و

به عنوان یکی از فروع دین شاهد بر اهتمام مکتب بر این فرایند است. در قرآن آیات زیادی در باره این نهاد وجود دارد و روایات نیز نسبت به آن فراوان سخن گفته‌اند.

نسبت به مسأله مورد بحث، به لحاظ این که عموم مردم خود را در آن سهیم می‌دانند انگیزه فراوان برای انجام این فریضه وجود دارد و نوعی نظارت عمومی بر چگونگی استفاده از منابع و حفظ محیط را فراهم می‌کند.

دو. پیش‌بینی دولت مقتدر

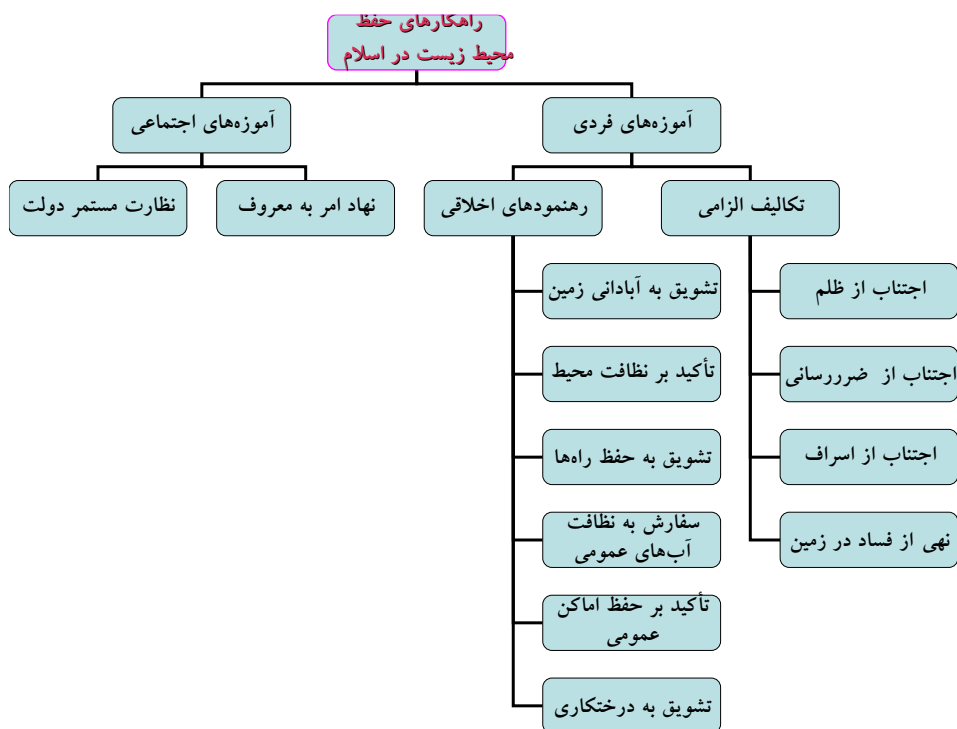
دولت در نظام اسلامی، دارای جایگاه منیعی است، اختیارات زیادی دارد و در مقابل وظایف سنگینی نیز بر دوش اوست. مهمترین اختیار دولت در مسأله مورد بحث، این است که بسیاری از منابع طبیعی در مالکیت و یا تحت نظارت او قرار دارد. این بدان معنی نیست که خود او تصدی بهره‌برداری از منابع را در اختیار گیرد.

دولت براساس اصل رفاه عمومی و به لحاظ این که داشتن محیطی پاکیزه از ضروری‌ترین امور در رفاه می‌باشد، موظف است زمینه انجام این مهم را فراهم نماید. بنابراین یکی از اصول محوری در تمام فعالیت‌هایش اجتناب از آلوده‌سازی محیط در حد امکان می‌باشد و در کنار آن نیز مکان‌هایی را مانند گردشگاه‌ها، جنگل‌ها و پارک‌ها به منظور تفریح و آسایش مردم اختصاص داده و آن‌ها را از هر نوع آلودگی حفظ نماید. همچنین در واگذاری منابع طبیعی جهت فعالیت بخش خصوصی همواره اصل حفاظت از محیط مطمح نظر بوده و با نظارت‌های مستمر و تنظیم ابزارهای اجرایی مؤثر سعی در انجام آن بنماید. هم چنین به عنوان مدافع از حقوق همه مردم و جلوگیری از ضرر رساندن به آن‌ها، سایر فعالیت‌های بخش خصوصی را همواره مورد نظارت دقیق قرار دهد.

به جهت این که توجه به محیط زیست در فرهنگ دینی نیز از پشتوانه غنی برخوردار است، یکی از مؤثرترین روش‌ها، فرهنگ سازی در این زمینه و ملموس کردن تهدیدات جدی ناشی از تخریب منابع برای مردم است، به گونه‌ای که خود مردم در این جهت پیشگام شده و حفاظت از محیط زیست به صورت فرهنگ عمومی درآید. در این صورت مردم علاوه بر این که رفتار خود را بر طبق این فرهنگ شکل می‌دهند نسبت به رفتار دیگران نیز بی‌توجه نخواهند بود. در این رابطه همچنین تقویت فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و استفاده از پتانسیل قوی آن ضروری می‌باشد.

جهت دادن صحیح به الگوی مصرفی و پرهیز جدی از اسراف‌ها و ریخت و پاش‌ها در سطح خرد و کلان یکی از محورهای جدی در مدیریت صحیح منابع زیست‌محیطی و پرهیز از آلوده‌سازی محیط است، زیرا بیشترین تهدیدی که وجود دارد از ناحیه سرطان مصرف‌گرایی است که مانند خوره و به سرعت سلول‌های پیکر طبیعت را از بین می‌برد.

رفتار دولت و دولت‌مردان در کنار سیاست‌گذاری‌های درست و جلب اعتماد مردم نیز یکی دیگر از محورهای مورد تأکید می‌باشد زیرا تا وقتی مردم بین رفتار دولت‌مردان و سیاست‌های آنان هماهنگی نبینند، اعتمادشان جلب نشده و در این صورت بهترین راهکارها هم مؤثر نخواهد افتد. در این راستا دولت باید تلاش کند تکنولوژی تمیز را در واحدهای تحت پوشش خود گسترش داده و از ابزارهای اقتصادی نیز خصوصاً مالیات و سوبسید در جهت تشویق بخش خصوصی به این کار استفاده نماید. شفاف بودن موارد مصرف مالیات‌ها و جریمه‌هایی که به این منظور جمع‌آوری می‌شود، در جلب اعتماد مردم و همدلی آنان مؤثر است.



ساختار مدل بهره‌برداری از منابع طبیعی در اسلام

مدل مطلوب بهره‌برداری از منابع طبیعی، در اسلام دارای خصوصیات زیر است:

۱. مالکیت منابع طبیعی در اختیار بخش عمومی است.
۲. اصل این است که دولت، بهره‌برداری از منابع را با حفظ معیارهای پیش‌گفته، از طریق نهادهایی که مطرح شد مانند نهاد مشارکت، اجاره، احیا و ... به بخش خصوصی واگذارد.
۳. نقش دولت در این فعالیت‌ها، مانند سایر فعالیت‌ها نقش مکمل بخش خصوصی است نه

رقیب آن؛ بنابراین منابعی را که بخش خصوصی توانایی استفاده از آنها را ندارد و یا منابع استراتژیک مانند نفت، گاز، اورانیوم و ... را دولت خود تصدی می‌کند. توصیه می‌شود دولت در واگذاری‌ها بخش تعاونی را که در قانون اساسی هم مورد تأکید واقع شده، مقدم دارد.

۴. در قراردادهای، باید منافع و مصالح عموم مردم و از جمله نسل‌های بعد در نظر گرفته شود؛ حفظ محیط زیست در بهره‌برداری از منابع یکی از این مصالح است.

در چنین ساختاری، استفاده از منابع طبیعی، در اسلام، به منابع زیست‌محیطی صدمه وارد نکرده و حقوق نسل‌های بعد نیز حفظ می‌شود. علاوه بر این که نهادهای احیا و حیا، که در برخی از فروع ممکن است به این اصول خللی وارد کنند، با آنچه ما در این باره اختیار کردیم، مبنی بر این در استفاده همه منابع اجازه و نظارت دولت ضروری است، نه تنها مشکلی در جهت حفاظت از محیط زیست ایجاد نمی‌کند بلکه با استفاده از پتانسیل مردم، موجب تسریع در تحقق آن می‌شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

بررسی شبهات طرح شده و نیز مطالعه دیدگاه‌های مختلف پیرامون محیط زیست اعم دیدگاه مکاتب و ادیان و یا نظریات فلسفی غیردینی، و نگاهی تاریخی و تحلیلی به علل پیدایش بحران، ما را به این نتیجه می‌رساند که بحران ایجاد شده به‌طور عمده ناشی از فاصله گرفتن انسان از باورهای دینی است و راه حل بحران زیست‌محیطی فقط از درمان بیماری معنوی انسان جدید و بازیابی عالم معنا بدست می‌آید. با تقویت ایمان افراد جامعه، انگیزه‌های نوع‌دوستانه و نیز احترام به گونه‌های گیاهی و حیوانی در بین آنان زیاد شده و قوانین و مقررات مربوط به زیست محیط با داشتن پشتوانه مذهبی، ضمانت اجرایی پیدا می‌کند.

اسلام انسان را جانشین خداوند در روی زمین می‌داند و صفت جانشینی او را با صفت بندگی تکمیل کرده است. او به عنوان خلیفه‌الله باید حاضر به خدمت باشد و هماهنگی جهان را حفظ کند و به عنوان عبدالله باید از خدا اطاعت کند و پذیرای عنایتی باشد که از عالم بالا جاری می‌شود.

به همان ترتیبی که خداوند عالم را حفظ و مراقبت می‌کند، انسان به عنوان جانشین او باید محیطی را که در آن نقش محوری ایفا می‌کند پرورد و مراقبت کند. او نمی‌تواند نسبت به مراقبت عالم غفلت ورزد مگر به امانتی که به هنگام شهادت به ربوبیت خداوند در میثاق ازلی پذیرفته بود خیانت کند (اعراف، ۱۷۲)

دست‌پروده چنین مکتبی به امانتی که به او سپرده شده به عنوان آیه و نشانه خدای خود عشق

می‌ورزد و هیچگاه در صدد تخریب آن نخواهد آمد.

به تعبیر هات در یکی از ابعاد بررسی‌اش در این باره، این نه عامل دین بلکه ترک آن است که به ما اجازه می‌دهد نظام زیستی زمین را نابود کنیم. این تفکر انسان‌مداری سکولار است که با فرض برتری انسان بر طبیعت، به او اجازه نابود ساختن طبیعت را داده است نه خدامداری و دین‌داری. (هات، ۱۳۸۲ش: ص ۳۰۵-۳۰۷)

بحث خود را با گفته شوماخر که بحران اخیر را با دگرگونی‌های فلسفی (اگر نگوئیم مذهبی) سه یا چهار قرن گذشته در دید انسان به طبیعت ارتباط می‌دهد پایان می‌دهیم:

انسان نوین خویشتن را همچون بخشی از طبیعت تجربه نمی‌کند بلکه خود را به عنوان یک نیروی خارجی تلقی می‌کند که رسالت چیره شدن بر طبیعت را عهده‌دار است. وی حتی درباره پیکار با طبیعت سخن می‌گوید، در حالی که فراموش می‌کند در صورت پیروزی در این پیکار، خود را در جناح بازنده خواهد یافت.

انسان در این تفکر، سنت‌های مذهبی و ارزش‌های دینی خود را فراموش کرده و اصولاً رسیدن به این هدف رویایی را مدیون همین فراموشی می‌دارد به همین جهت کینز می‌گوید: هنوز زمان آن نرسیده که به پاره‌ای اصول بسیار متیقن مذهب و فضایل اخلاقی - از قبیل: آزمندی رذیلت است، رباخواری معصیت است و حب مال نفرت‌انگیز است - بازگردیم.

وی بر این عقیده است که رشد اقتصادی فقط در صورتی دست یافتنی است که از انگیزه‌های خودپرستانه نیرومند آدمی استفاده کنیم، یعنی انگیزه‌هایی که مذهب و آداب و سنن اخلاقی عموماً "ما را به ایستادگی در برابرشان فرا می‌خوانند." (شوماخر، ۱۳۷۲ش: ص ۲۳).

منابع و مأخذ

- آل بحرالعلوم، سیدمحمد، بلغة الفقيه، الطبعة الرابعة، تهران، مكتبة الصادق، ۱۴۰۳ق
- اصفهانى، محمدحسين، حاشیه مكاسب، الاولى، نشر محقق، ۱۴۱۸ق.
- الامدى التميمى، عبدالواحد: غررالحكم و دررالكلم، تحقيق ميرسيد جلال الدين محدث الارموي، جامعة تهران، ۱۳۶۰ ش.
- بارو، كريستوفر جى، اصول و روش های مدیریت محیط زیست، مهرداد اندرودی، تهران، نشر کنگره، ۱۳۸۰ش.
- بخش آموزش علمی و فنی و حرفه ای یونسکو، آموزش بین المللی محیط زیست (پیوست ب)، فیروزه برومند، تهران، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۰ش.
- برنامه توسعه سازمان ملل، گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، قدرت الله معمارزاده، بی جا، بی نا، بی تا.
- بری، جان، محیط زیست و نظریه اجتماعی، حسن پویان و نیره توکلی، انتشارات سازمان محیط زیست، اول، ۱۳۸۰ش.
- بونفو، ادوار، آشتی انسان و طبیعت، صلاح الدین محلاتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، اول، ۱۳۷۵ش
- پانایوتو تئودور، ابزارهای تحول برای فراهم کردن موجبات توسعه پایدار، سید امیر ایافت، تهران، سازمان حفاظت از محیط زیست، اول، بی تا.
- پرمن راجرز، یوما و مک گیل، ری جیمز، اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی، حمیدرضا ارباب، تهران، نشر نی، اول، ۱۳۸۲ش.
- تازه کام شعبان و شیخی علیرضا: علوم کشاورزی و منابع طبیعی در متون اسلامی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.
- ترنر، آر. ک.؛ باتمن، دی. پیرس، ای، اقتصاد محیط زیست، سیاوش دهقانیان و عوض کوچکی و علی کلاهی اهری، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۴ش.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
- رضی، الشریف ابوالحسن محمد، نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، ترجمه نهج البلاغه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ ش.
- سعدالدین، محمدمنیر، «محیط زیست و مسؤولیت انسان»، فرهنگ جهاد، ش ۴، بی تا.

سید جمیل، محمد، قضايا البيئة من خلال القرآن و السنة، منشورات المنظمة الاسلامية للتربية و العلوم و الثقافة، ۱۴۲۰ق.

شوماخر، ای. اف، کوچک زیباست، علی رامین، تهران، سروش، ۱۳۷۲ش.
صدر، سید محمد باقر، اقتصادنا، الاولى، خراسان، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۳۷۵ش.
طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین
حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ش.

طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، ، نهاییه، الثاني، بیروت، دارالاندلس، ۱۴۱۷ق
فضلان ام.، خالد و براین، جوان أ.، اسلام و محیط زیست، اسماعیل حدادیان مقدم، مشهد،
انتشارات آستان قدس رضوی، اول، ۱۳۷۸ش.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، الثاني، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، التنقیح الثاني، ج ۱، اول، قم، ۱۴۱۶ق.
مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، قم، انتشارات صدرا، چهارم، ۱۳۶۶ش.
نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ش.
نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه، الاولى، مشهد، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث،
۱۴۱۵ق.

نصر سید حسین، نیاز به علم مقدس، حسن میانداری، اول، قم، طه، ۱۳۷۹ش.
-----، دین و نظام طبیعت، محمد حسن فغفوری، تهران، حکمت، اول، ۱۳۸۴.
نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹.
هات، جان اف.، علم و دین، بتول نجفی، قم، کتاب طه، اول، ۱۳۸۲ش.
هندی، علاء الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مكتبة التراث الاسلامي، اول،
۱۳۹۷ق.

یوسفی، فراهانی و لشکری: ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامي، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر،
اول، ۱۳۷۹ش.

1. Fazlun, M. Khalid " Islam and the Environment" Jornal of Social and economics demensions of global environmentalchange" , V 5, 2001.
2. Goodstein, Eban S. "Economics and environment" Lewis and Clark College, 1999.
3. Hanley, Nick; Shgren, Jason F.; Whith, Ben, "Environmental Economics In

Theory And Practice" 1997.

4. Passmore, John, Man's Responsibility for Nature, New York: Scribner, 1974.
5. Perman, Roger; McGillivray, Yue Ma, James ; Common, Michael "Natural resources and environmental economics" Pearson Education Limited, 1999.
6. Rinaldi, F. M. Int. J., " Sustainable natural resource management through multi-regional cooperation, Environment and Pollution, 18, (3), 2002.
7. Train, Russell, Vital Speeches of the Day , 1990.
8. Turner, R.K., "Sustainable Environmental Management", London, Belhaven, Volume 69, 1988.
9. White, Lynn, "The Historical Roots of Our Ecological Crisis" Science, Vol 155.